

بیا با هم باشیم

چرا خاموشی؟
در هارو بستی؟
دور خودت چمبره زدی؟

بیا با هم باشیم
به مهمونی باد.
برای
کنار زدن ابرها
دیدن شاپرکها
به دشت ستارگان
جایی که مرزی نمونده میونِ من و تو
کنار شعله
برای شنیدنِ
آواز پرنده ها.
بیا کنار ما
به دریای سکوت
دل ظلمت
پشت اون کفن های مشکی
کناره اون سنگ شکسته
پشت چاله های فریاد
برای دیدن طلوع خورشید
شکفتن خنده روی لبها.
گرد آتش
برای خوندن سرود-
یاد یاران
دیدن شعله عشق و
سوختن شب
پیش چشمها.
دیدن کبوترها
شیرجشون میون باد و
دیدن رقص موجهها
میون آب
شادی دریا رو دیدن
رسیدن

کنار ساحل افتادن
بیا با هم باشیم
برای حلقه زدن بدور هم
بودن با هم
شکستن دیوار حصرو
سوختن شب
بیا کنار ما
برای ظهور
یه ملت
رنگ و وارنگ
برای جشن
بودن با هم